

ترجمہ و تبیین

# مکاسب

شیخ الفقہاء مرتضیٰ انصاری (رحمۃ اللہ علیہ)

جلد ہفتم

ترجمہ و تبیین:

آیت اللہ محسن غروی

سرشناسه: غرویان، محسن، ۱۳۳۸ - مترجم و شارح  
 عنوان قراردادی: المکاسب، فارسی - عربی، شرح  
 عنوان و نام پدیدآور: ترجمه و تبیین مکاسب شیخ‌الفقهاء مرتضیٰ انصاری (رحمة‌الله علیه) / تبیین محسن غرویان  
 مشخصات نشر: قم: دارالفکر، ۱۳۸۹.  
 مشخصات ظاهری: ج: ۷.  
 شابک: دوره: 9789642611539؛ ج. ۷: 9789642611942

وضیعت فهرست‌نویسی: فیبا  
 موضوع: انصاری، مرتضیٰ بن محمد امین، ۱۲۱۴ - ۸۱۱۴ ق. المکاسب - نقد و تفسیر.  
 موضوع: ماملات (فقه).  
 شناسه افزوده: انصاری، مرتضیٰ بن محمد امین، ۱۲۱۴ - ۸۱۱۴ ق. المکاسب، شرح  
 رده‌بندی کنگره: ۸۷۰۲۱ مالف / ۷۱۳ / ۱۹۰ BP  
 رده‌بندی دیوید: ۲۹۷/۳۷۲  
 شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۳۳۱۴



انتشارات دارالفکر

مؤسس: مرحوم حجة الاسلام والمسلمین  
 آقاي حاج سيد عبدالحميد مولانا (ره)

## ترجمه و شرح مکاسب (جلد هفتم)

مؤلف: شیخ مرتضیٰ انصاری (ره)

مترجم: آیت‌الله محسن غرویان

ناشر: انتشارات دارالفکر

ناشر همکار: اندیشه مولانا

چاپ: قدس، قم

نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۹

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۴۲۵۰ تومان

شابک: 978-964-2611-94-2 ISBN: 978-964-2611-94-2

انتشارات دارالفکر

◀ قم: خیابان صفاویه، تین کوچه آمار و ممتاز، پلاک ۳۶

تلفن: ۷۷۳۳۶۴۵ - ۷۷۴۲۵۴۴، فاکس: ۷۷۲۸۸۱۴

◀ دفتر تهران: خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای زاندارمری

روبه‌روی اداره پست، پلاک ۱۲۴، تلفن: ۹۳۵۲ - ۶۶۴۰۸۹۲۷، فاکس: ۶۶۹۷۷۶۲۰



در این کتاب سعی شده است تا با روشی علمی و منطقی به بررسی مبانی فلسفه سیاسی اسلام پرداخته شود. در این راستا، به بررسی مبانی فلسفه سیاسی اسلام پرداخته شده است و سعی شده است تا با روشی علمی و منطقی به بررسی مبانی فلسفه سیاسی اسلام پرداخته شود. در این راستا، به بررسی مبانی فلسفه سیاسی اسلام پرداخته شده است و سعی شده است تا با روشی علمی و منطقی به بررسی مبانی فلسفه سیاسی اسلام پرداخته شود.

**مقدمه کتاب**

### دست آوردهای نظام ولایت فقیه

هر یک از فلسفه‌های سیاسی دنیا و همه فیلسوفان سیاسی جهان، همواره در صدد بوده‌اند که فکر و اندیشه سیاسی خود را در قالب یک نظام مدوّن و منسجم ارائه دهند و نظام حکومتی مورد نظر خود را در صحنه عمل و اجرا، تحقق عینی بخشد. در انجام این منظور، برخی از فلسفه‌ها و فیلسوفان، موفق شده‌اند و برخی ناکام مانده‌اند. بدون شک، اسلام دارای یک فلسفه سیاسی است و با مراجعه به متون دینی؛ یعنی کتاب و سنت، به خوبی می‌یابیم که دین اسلام، مدعی قدرت و توانایی برای ایجاد یک نظام سیاسی و تشکیلات حکومتی بر اساس تئوری سیاسی دینی است. امروزه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، این تئوری و آزمون سیاسی اسلام، از ذهن پنهان عین آمده و فلسفه حکومتی قرآن و سنت، تحقق خارجی یافته است. همان‌طور که در دفاع فیزیکی و نظامی از مرزهای جغرافیایی اسلام، لازم و واجب است، تبیین مثبانی و اصول فلسفه سیاسی اسلام نیز امری لازم و اجتناب‌ناپذیر است.

\* این مقدمه به مناسبت سفر پر خیر و برکت مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (دام عزه) به حوزه علمیه قم در پاییز ۱۳۸۹، در مقدمه جلد هفتم از ترجمه و شرح مکاسب آورده شد.

مقدمه حاضر با عنوان دست‌آوردهای نظام ولایی، در راستای تبیین آثار التزام به نظام ولایت فقیه نگارش یافته و مشتمل بر دو بحث عمده است.

الف: دیدگاه قرآن نسبت به دست‌آوردهای نظام ولایی.

ب: چند نکته اساسی در بحث جامعه ولایی و جامعه مدنی.

مجموعه دست‌آوردهایی که در این مقاله برای نظام ولایی برشمرده‌ایم، در چند بند خلاصه شده است. امید که این مقاله مورد توجه ارباب بصیرت و معرفت قرار گیرد و در پیشگاه اهل نظر، مقبول افتد.

با نگاهی به آیات ولایت در قرآن، می‌توانیم دست‌آوردهای نظام ولایی را به صورت زیر برشماریم:

### ۱. محوریت ولایت برای نهادهای اجتماعی

ولایت در نظام ولایی، چنان‌که محور و رشته‌ای است که همه نهادهای اجتماعی را متحد، هماهنگ و همسو می‌سازد و به اقتصاد، سیاست، فرهنگ، عادات، آموزش و پرورش، نظام خانوادگی و روابط اجتماعی، صبغه دینی و الهی می‌دهد.

### ۲. انحصار ولایت استقلالی در خداوند

ولایت در نظام ولایی، منحصرأ و مستقلاً از آن خداست؛ البته در طول ولایت الهی، رسولان و امامان معصوم و عالمان دینی نیز ولایت دارند. از آیاتی همچون «إِن الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» (یوسف، ۴۰) و آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ...» (مائد، ۵۵)، انحصار ولایت استقلالی در خداوند متعال، به وضوح استفاده می‌شود.

### ۳. دستیابی به ایمان حقیقی

از آیاتی که خداوند را ولی اهل ایمان معرفی می‌کند، به دست می‌آید که ایمان مؤمنان در نظام ولایی، در صورتی حقیقی است که ولایت خداوند و خلفای او را پذیرفته باشند و تولی را گردن بنهند (بقره، ۲۵۷).

#### ۴. تحصیل تقوای متقیان

از آیاتی که خداوند را ولی متقین معرفی می‌کند، به دست می‌آید که تقوای متقیان در نظام ولایی، حقیقی نیست؛ مگر آن‌که ولایت خداوند و خلفای او را پذیرفته باشند و تولی را گردن بنهند (جانبه، ۱۹).

#### ۵. بزخورداری از نصرت غیبی

در قرآن کریم از خداوند به عنوان «ولی» و «نصیر» یاد شده است. می‌توان چنین استنباط کرد که شرط بهره‌مندی از نصرت الهی و امدادهای غیبی، تولی بجه ولایت الهی و خلفای راستین اوست. در نظام ولایی، نصرت حقیقی از جانب خداست و هر گونه امداد و یاری‌رسانی، اگر در راستای تحکیم ولایت الهی نباشد، مطرود و منتفی است. تناصر و یآوری افراد و گروه‌ها نیز نسبت به یکدیگر در یک نظام ولایی، بر محور ولایت است (عنکبوت، ۲۲).

#### ۶. نفی سلطه

در نظام ولایی، ولایت‌پذیری مرادف با نفی سلطه غیر خداست و قدرت هیچ قدرتمندی، فوق قدرت و حاکمیت خداوند نیست. هر قانونی اگر برگرفته از وحی و یا عقل هماهنگ با وحی باشد، مشروعیت و مقبولیت دارد؛ در غیر این صورت، آن قانون مطاع نیست (شوری، ۹؛ اعراف، ۳).

#### ۷. طرد شیاطین

بر اساس آیات قرآن، غیر مؤمنان در ولایت شیطان هستند. بنابراین در نظام ولایی که اهل ایمان و تقوی در آن زندگی می‌کنند، شیاطین جایگاهی ندارند و قوانین و افکار و اندیشه‌های شیطانی نیز منزلت و جایگاهی نمی‌توانند داشته باشند.

در نظام ولایی، نظام‌های سیاسی عالم نیز به هیچ روی نباید کوچک‌ترین حضور و

بروزی داشته باشند. تئوری‌ها و فلسفه‌های شیطانی نیز در عرصه‌های گوناگون فرهنگ، اقتصاد، سیاست، خانواده، آموزش و پرورش و سایر نهادهای اجتماعی نظام ولایت، نباید جایگاه داشته باشند (اعراف، ۲۷).

### ۸. مبارزه با طغیان و عصیان

در نظام ولایی، طاغوت‌ها و ستمگران، مطرود و منتفورند و از دیدگاه قرآن، طاغوت‌ها که در برابر خدا طغیان می‌کنند، بر کفار ولایت دارند، نه بر مؤمنان؛ بنابراین هر کس که فرمانی از فرمان‌های خدا را زیر پا بگذارد، در هر پست و مرتبتی که باشد، تحت ولایت طاغوت است. چنین فردی از حوزه ولایت خداوند بیرون رفته و چارچوب نظام ولایی را در هم شکسته است و امر و دستور و قانون او مشروعیت ندارد و مطاع نیست (بقره، ۱۵۷).

### ۹. محوریت ولایت برای محبت و عداوت

در نظام ولایی، محور همه محبت‌ها و دشمنی‌ها ولایت است و حب و بغض‌ها تنها بر این اساس ارزش‌گذاری می‌شوند. زنان و مردان اهل ایمان در نظام ولایت، تنها بر این اساس، پیوند محبت و دوستی برقرار می‌کنند و جامعه ولایی را در فضایی از تعاطف و تراحم و تقدس سامان می‌دهند (توبه، ۲۳ و ۷۱؛ ممتحنه، ۱).

### ۱۰. رشد و توسعه همه جانبه در نظام ولایی

در نظام ولایی، هدف در حرکت و آهنگ کلی جامعه، رشد و توسعه حقیقی آدمی در همه ابعاد و وجوه شخصیتی اوست. قرآن کریم، خداوند را ولی می‌نامد و از این تعبیر این نکته مفهوم می‌شود که اگر نظام اجتماعی بر محور ولایت خدا و خلفای او استوار نباشد، رشد حقیقی انسان‌ها تأمین نخواهد شد و تمدن و مدنیت، اگر در نظام ولایی صورت نپذیرد، تأمین‌کننده رشد و توسعه حقیقی نیست (کهف، ۱۷).

### ۱۱. تأمین خیر و سعادت حقیقی در نظام ولایی

خیر و سعادت حقیقی انسان، تنها در گرو برقراری نظام ولایی است. بیشترین و پایدارترین لذت‌های حقیقی، تنها در پرتو نظام ولایت تأمین می‌شود و کمال مطلوب انسان، فقط در جامعه‌ای که بر اساس نظام ولایی اداره می‌شود، حاصل می‌گردد. (کهن، ۴۴).

### ۱۲. رستگاری دنیا و آخرت در نظام ولایی

سعادت و خوشبختی در نظام ولایی، منحصر به زندگی مادی و رفاه دنیوی نیست. توسعه در ابعاد دنیوی و شئون اخروی وجود آدمی، تنها در نظام ولایی تأمین می‌شود و بستر حرکت و تحول در نهادهای اجتماعی نظام ولایت، به سمت فعلیت بخشیدن به همه استعدادهای دنیوی و اخروی است و نتیجه این فعلیت یافتن‌ها، برخورداری از بالاترین لذات ممکن در حیات معقول است. در نظام ولایی، انسان با نظام هستی هماهنگ می‌شود، لذا فرشتگان در پرتو این هماهنگی، یار و یاور و محب آدمی می‌شوند و در خدمت انسان‌های ملتزم به نظام ولایت قرار می‌گیرند (فطلت، ۳۱).

### ۱۳. عزت و سربلندی در نظام ولایی

بیان صریح قرآن کریم این است که عز و آقایی، تنها در پرتو نظام الهی حاصل می‌شود و سیادت و سربلندی واقعی، فقط در نظام ولایت محقق می‌گردد. متولیان و متصدیان امور در نظام ولایی، هرگز دچار خودباختگی در برابر کفار و بیگانگان نمی‌شوند و دولتمردان در نظام ولایت، هیچ‌گاه عزت را در وابستگی به قدرت اجانب نمی‌بینند؛ بلکه فقط در نزد خدا عزت می‌جویند و تنها در برابر حکم او سر تسلیم فرود می‌آورند (نساء، ۱۳۹).

### ۱۴. حفظ کتاب و دیانت در نظام ولایی

قرآن کریم، مسلمانان را بر حذر می‌دارد از این‌که کفار و مشرکان و به‌طور کلی، غیرمسلمانان را برای خود به عنوان ولی اتخاذ کنند؛ چرا که در صورت سلطه و ولایت آنان، دین اسلام مورد تمسخر و بازیچه قرار می‌گیرد و احکام الهی زیر پا گذاشته می‌شود و مقدسات شریعت، مورد هتک و بی‌حرمتی واقع می‌شود. از این بیان، این نکته استفاده می‌شود که بنابراین برای حفظ دیانت و کتاب شریعت، می‌بایست نظام ولایت را برقرار ساخت و حکومت خدا را در قالب نظام ولایی پیاده کرد (مائده، ۵۷).

### ۱۵. ایجاد جامعه مدنی دینی در نظام ولایی

یکی از بحث‌های مهم و جالبی که امروزه در جامعه ما مطرح است، بحث جامعه ولایی و جامعه مدنی است. از آن‌جا که این موضوع از حساسیت خاصی برخوردار است و نویسندگان و صاحب‌نظران مختلف، درباره آن به بحث پرداخته‌اند، بجاست که به چند نکته در این باب اشاره کنیم. بخش دوم این مقاله در مقدمه جلد هشتم تقدیم علاقه‌مندان خواهد شد.

\*\*\*

این کتاب، جلد هفتم از ترجمه و شرح مکاسب است که تقدیم طلاب، دانشجویان و اساتید محترم حوزه و دانشگاه می‌شود و امیدوارم به زودی مجلدات دیگر، تا پایان مبحث خیرات نیز آماده چاپ و نشر گردد. خداوند به ما توفیق خدمت به علوم اهل بیت علیهم‌السلام را عطا فرماید، ان‌شاءالله.

قم - محسن غروی‌ان

پاییز ۱۳۸۹





## فهرس المحتوى

مقدمة: ٥

### الكلام في شروط المتقاعدين

مسألة: من شروط المتقاعدين البلوغ ١١

المشهور بطلان عقد الصبي ١١

الاستدلال على البطلان بحديث رفع القلم ١٣

الاستدلال بروايات عدم جواز أمر الصبي ١٤

المناقشة في دلالة هذه الروايات ١٤

المناقشة في دلالة حديث رفع القلم ١٤

ترديد بعضهم في الصحة، و تصريح آخرين بها ١٧

الحجة في المسألة هي الشهرة والإجماع المحكي ١٩

المناقشة في تحقق الإجماع ٢٠

- ٢١ ..... العمل وفق المشهور، وهو البطلان
- ٢١ ..... ما يستأنس به للبطلان
- ٢٢ ..... استظهار البطلان من حديث رفع القلم
- ٢٤ ..... رأي المؤلف في المسألة، ودليله
- ٢٧ ..... كلام العلامة في عدم صحّد تصرفات الصبي
- ٢٩ ..... لا فرق في معاملة الصبي بين الأشياء اليسيرة والخطيرة
- ٣٠ ..... تفصيل المحلّات الكاشاني بين الأشياء اليسيرة والخطيرة
- ٣٣ ..... تصحيح المعاملة لو كان الصبي بمنزلة الآلة، والمناقشة فيه
- ٣٤ ..... دعوى كاشف الغطاء إفادة معاملة الصبي الإباحة لو كان مأذوناً
- ٣٧ ..... المناقشة في ذلك
- ٣٧ ..... كلام المحقّق التستري في توضيح الدعوى
- ٤١ ..... حاصل ما أفاده التستري، والمناقشة فيه
- ٤٢ ..... المناقشة في بعض ما أفاده كاشف الغطاء
- ٤٥ ..... مسألة: ومن شروط المتعاقدين قصد المتعاقدين مدلول العقد
- ٤٦ ..... الدليل على هذا الشرط
- ٤٧ ..... كلام صاحب المقابس في اعتبار تعيين المالكين
- ٥٤ ..... المناقشة فيما أفاده صاحب المقابس
- ٥٦ ..... الصحيح عدم اعتبار التعيين
- ٥٧ ..... عود إلى مناقشة صاحب المقابس
- ٦١ ..... هل يعتبر تعيين الموجب للمشتري، والقابل للبائع؟
- ٦٣ ..... مختار المؤلف ودليله
- ٦٤ ..... كلام العلامة في الفرق بين البيع وشبهه وبين النكاح

- ٦٥ ..... المناقشة فيما أفاده العلامة من الفرق
- ٦٦ ..... الأولى في الفرق بين النكاح والبيع
- ٦٨ ..... مسألة: ومن شروط المتعاقدين: الاختيار
- ٦٨ ..... المراد من «الاختيار»
- ٦٨ ..... ما يدل على اشتراط الاختيار
- ٧١ ..... المراد من قولهم: «المكروه قاصد إلى اللفظ غير قاصد إلى مدلوله»
- ٧٦ ..... حقيقة الإكراه
- ٧٧ ..... المعيار في صدق الإكراه
- ٧٨ ..... هل يعتبر عدم إمكان التفصي عن الضرر بما لا ضرر فيه
- ٧٩ ..... عدم اعتبار العجز عن التورية
- ٨٠ ..... هل يعتبر العجز عن التخلص بغير التورية
- ٨١ ..... اعتبار العجز عن التخلص بغير التورية
- ٨٦ ..... الفرق بين إمكان التفصي بالتورية وإمكانه بغيرها
- ٨٨ ..... عدم اعتبار العجز في الإكراه الراجع لأثر المعاملات
- ٨٨ ..... المراد من الإكراه الراجع لأثر المعاملات
- ٩١ ..... الفرق بين الإكراه في الأحكام التكليفية والأحكام الوضعية
- ٩٣ ..... لو أكره الشخص على أحد الأمرين
- ٩٧ ..... لو أكره أحد الشخصين على فعل واحد
- ٩٧ ..... صور تعلق الإكراه
- ١٠١ ..... فروع:
- ١٠١ ..... الإكراه على بيع عبد من عبيد
- ١٠٢ ..... الإكراه على معين فضم غيره إليه

- ١٠٦ ..... الإكراه على الطلاق
- ١٠٦ ..... أقسام الإكراه على الطلاق، وأحكامها
- ١٠٩ ..... عقد المكره لو تعقبه الرضا
- ١١٠ ..... الاستدلال على الصحة
- ١١٢ ..... مختار المؤلف
- ١١٢ ..... ما استدلل به على البطلان
- ١١٣ ..... المناقشة في أدلة البطلان
- ١١٥ ..... المناقشة في دلالة حديث الرفع على البطلان
- ١٢٣ ..... الرضا المتأخر ناقل أو كاشف؟
- ١٢٦ ..... مسألة: ومن شروط المتعاقدين: إذن السيد لو كان العاقد عبداً
- ١٢٧ ..... الدليل على هذا الشرط
- ١٢٨ ..... هل ينقد إنشاء العبد إذا لحقته إجازة السيد؟
- ١٢٩ ..... مختار المؤلف، ودليله
- ١٣٠ ..... ما يؤيد المختار
- ١٣٦ ..... فرع: في أمر العبد بشراء نفسه من مولاه
- ١٣٩ ..... مسألة: ومن شروط المتعاقدين أن يكونا مالكين أو مأذونين
- ١٤٠ ..... اختلاف الفقهاء في صحة عقد الفضولي
- ١٤٠ ..... اتفاق الفقهاء على بطلان إيقاعات الفضولي
- ١٤٠ ..... المراد من «الفضولي»
- ١٤٣ ..... هل العقد المقرون برضا المالك من دون إذن منه فضولي
- ١٤٦ ..... صور بيع الفضولي في مسائل ثلاث

- الأولى: بيع الفضولي للمالك مع عدم سبق المنع ..... ١٤٤
- المشهور الصحة ..... ١٤٤
- مقتضى العمومات الصحة ..... ١٤٧
- الاستدلال للصحة بقضية عروة البارقي ..... ١٤٩
- المناقشة في الاستدلال بقضية عروة البارقي ..... ١٥٠
- الاستدلال للصحة بصحيفة محمد بن قيس ..... ١٥٣
- المناقشة في الاستدلال بصحيفة محمد بن قيس ..... ١٥٤
- توجيه الاستدلال بصحيفة محمد بن قيس ..... ١٥٦
- الاستدلال لصحة بيع الفضولي بفجوى صحة نكاحه ..... ١٥٨
- المناقشة في الاستدلال المذكور ..... ١٥٩
- ما يؤيد صحة بيع الفضولي ..... ١٦٣
١. ما ورد في المضاربة ..... ١٦٤
٢. ما ورد في أئجار غير الولي في مال اليتيم ..... ١٦٥
٣. رواية ابن أشيم ..... ١٦٦
٤. صحيفة الحلبي ..... ١٦٨
٥. موثقة عبد الله ..... ١٦٨
٦. أخبار نكاح العبد بدون إذن مولاه ..... ١٧١
- مختار المؤلف الصحة ..... ١٧٢
- ما استدلل به لبطان بيع الفضولي ..... ١٧٢
- الاستدلال بأية التجارة عن تراض ..... ١٧٢
- المناقشة في الاستدلال بأية التجارة عن تراض ..... ١٧٣
- الاستدلال بالروايات على البطان ..... ١٧٥

- ١٧٧ ..... المناقشة في الاستدلال بالروايات
- ١٨٣ ..... الاستدلال بالإجماع على البطلان
- ١٨٣ ..... المناقشة في الإجماع
- ١٨٤ ..... الاستدلال بدليل العقل على البطلان
- ١٨٤ ..... المناقشة في دليل العقل
- ١٨٦ ..... الاستدلال بوجوده آخر على البطلان
- ١٨٦ ..... المناقشة في هذه الوجوه
- ١٨٧ ..... الثانية: بيع الفضولي للمالك مع سبق المنع
- ١٨٧ ..... المشهور الصحة
- ١٨٩ ..... مختار المؤلف ودليله
- ١٩١ ..... الثالثة: بيع الفضولي لنفسه
- ١٩٢ ..... الأقوى الصحة، والدليل عليه
- ١٩٢ ..... الإشكال على صحة هذا البيع من وجوه
- ١٩٣ ..... الوجه الأول، وجوابه
- ١٩٣ ..... الوجه الثاني، وجوابه
- ١٩٤ ..... الوجه الثالث، وجوابه
- ١٩٦ ..... الوجه الرابع
- ١٩٧ ..... جواب المحقق القمي عن الوجه الرابع
- ١٩٨ ..... المناقشة في جواب المحقق القمي
- ٢٠٠ ..... جواب المؤلف عن الوجه الرابع
- ٢٠٢ ..... الإشكال على هذا الجواب
- ٢٥٠ ..... جواب صاحب المقابس عن الإشكال

- ٢٠٦ ..... المناقشة في جواب صاحب المقابس
- ٢٠٦ ..... جواب المؤلف عن الإشكال
- ٢٠٩ ..... جواب كاشف الغطاء عن الوجه الرابع
- ٢٠٩ ..... توجيه الجواب يوجهين، والمناقشة فيهما
- ٢١١ ..... المناقشة في الوجه الأوّل من الجواب
- ٢١٣ ..... المناقشة في الوجه الثاني من الجواب
- ٢١٥ ..... الوجه الخامس، وجوابه
- ٢١٧ ..... هذا الإشكال إنما يتوجه على القول بالنقل
- ٢١٩ ..... جعل العوض في ذمّة الغير في بيع الفضولي
- ٢٢٠ ..... ما به يتشخص ما في الذمّة
- ٢٢١ ..... لو لم يصدق الطرف الآخر الفضولي في قصده
- ٢٢٣ ..... لو جمع بين نفسه وذمّة الغير
- ٢٢٤ ..... ما أفاده العلامة فيما لو اشترى فضولياً في الذمّة لغيره وردّ
- ٢٢٤ ..... ذلك الغير
- ٢٢٦ ..... المناقشة فيما أفاده العلامة
- ٢٢٦ ..... مقتضى القواعد في هذه الصورة
- ٢٢٨ ..... جريان الفضولي في المعاطة، بناءً على الملك
- ٢٢٩ ..... دفع الإشكال عن جريان الفضولي في المعاطة، بناءً على الملك
- ٢٢٩ ..... الاستدلال على عدم الجريان
- ٢٣٠ ..... المناقشة في الاستدلال
- ٢٣٣ ..... الإشكال على جريان الفضولي في المعاطة، بناءً على الإباحة

## القول في الإجازة والردّ

- ٢٣٥ ..... هل الإجازة كاشفة أم ناقلة؟
- ٢٣٦ ..... الأكثر على الكشف
- ٢٣٦ ..... الاستدلال عليه بوجهين
- ٢٣٦ ..... الوجه الأول
- ٢٣٦ ..... الوجه الثاني
- ٢٣٦ ..... بما استدُل به فخر الدين للأكثر
- ٢٣٧ ..... المناقشة في الوجه الأول
- ٢٣٧ ..... تقرير آخر للوجه الأول، والمناقشة فيه
- ٢٣٨ ..... دعوى إمكان تقديم المسبّب على السبب الشرعي، ودفعها
- ٢٤٠ ..... دعوى أنّ الشرط هو وصف تعقّب الإجازة، ودفعها
- ٢٤٢ ..... المناقشة في الوجه الثاني
- ٢٤٢ ..... المناقشة الأولى
- ٢٤٥ ..... تقرير آخر للمناقشة الأولى
- ٢٤٦ ..... المناقشة الثانية
- ٢٤٨ ..... المناقشة الثالثة
- ٢٥١ ..... معاني الكشف
- ٢٥١ ..... ١. الكشف الحقيقي، والتزام كون الإجازة شرطاً متأخراً
- ٢٥١ ..... ٢. الكشف الحقيقي، والتزام كون الشرط: التعقّب بالإجازة
- ٢٥٢ ..... ٣. الكشف الحكمي
- ٢٥٢ ..... مقتضى القواعد والعمومات هو النقل، ثمّ الكشف الحكمي
- ٢٥٢ ..... ظاهر صحيحة محمد بن قيس هو الكشف بالمعنى الأعمّ



- ظاهر صحیحة ابي عبيدة هو الكشف الحقيقي ..... ۲۵۳
- الثمرة بين الكشف باحتمالاته والنقل ..... ۲۵۴
- الثمرة بين فردي الكشف الحقيقي ..... ۲۵۴
- الثمرة بين الكشف الحقيقي والحكمي ..... ۲۵۵
- الثمرات المذكورة بين الكشف والنقل ..... ۲۵۷
- الثمرة الأولى من حيث النماء ..... ۲۵۷
- الثمرة الثانية من حيث فسخ الأصيل ..... ۲۵۹
- الثمرة الثالثة من حيث تصرف الأصيل ..... ۲۶۱
- الإشكال على تصرف الأصيل بناء على النقل، ودفعه ..... ۲۶۲
- حكم تصرف الأصيل بناء على الكشف ..... ۲۶۳
- جواز تصرف الأصيل بناء على الكشف وكون الشرط التعقّب بالإجازة ..... ۲۶۴
- عدم جواز تصرف الأصيل بناء على الكشف وكون الشرط نفس الإجازة ..... ۲۶۵
- حكم التصرفات غير المنافية لما التزمه الأصيل ..... ۲۶۸
- ثمرات ذكرها كاشف الغطاء، وما يرد عليها ..... ۲۷۱
- التبیه على أمور: ..... ۲۷۷
- الأول: عدم كون الخلاف في مفهوم الإجازة، بل في حكمها الشرعي ..... ۲۷۷
- الثاني: هل يشترط التلفّظ في الإجازة؟ ..... ۲۷۸
- كفاية الفعل الكاشف عن الرضا في الإجازة ..... ۲۷۹
- كفاية الرضا الباطني، والاستدلال عليه ..... ۲۸۰
- هل يكفي الرضا مقارناً للعقد أو سابقاً عليه؟ ..... ۲۸۴
- الثالث: في اعتبار عدم سبق الردّ في الإجازة ..... ۲۸۵
- الرابع: في أنّ الإجازة لا تورث ..... ۲۸۸

- الخامس: في أن إجازة البيع ليست إجازة لقبض الثمن أو المثل ..... ٢٨٩
- السادس: في أن الإجازة ليست فورية ..... ٢٩١
- السابع: هل يعتبر مطابقة الإجازة للمقدّم؟ ..... ٢٩٢
- الأقوى التفصيل ..... ٢٩٢